



رقابت آمریکا و روسیه و تاثیر آن بر تعاملات منطقه‌ای

سیدجاوید شکیب‌زاده*

چکیده

پیشینه رقابت میان ایالات متحده و روسیه به‌عنوان قدرت‌های جهانی، بعد از جنگ جهانی دوم آغاز شد. رقابت در آسیای میانه، منطقه‌ی قفقاز، رقابت در دریای سیاه، حضور پر رنگ در کشورهای آسیای میانه از جمله حوزه‌های اصلی میدان رقابت بین این دو قدرت در سال‌های اخیر بوده است. سئوالی که مطرح می‌شود این است که رقابت این دو کشور چه تأثیری بر تعاملات منطقه‌ای در آسیای میانه داشته است؟ یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که افغانستان با داشتن موقعیت جیوپولیتیک خاص، نقش مهمی در تعاملات منطقه‌ای ایفا می‌نماید. به‌گونه‌های که در یک فرایند همگرایی منطقه‌ای افغانستان نقطه اتصال شمال-جنوب و شرق-غرب آسیا محسوب شده و دروازه کشورهای آسیای میانه با منطقه و جهان می‌باشد. در این مقاله تلاش شده که با روش توصیفی - تحلیلی رقابت روسیه و آمریکا و تأثیر آن بر تعاملات منطقه‌ای مورد بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: روسیه، آمریکا، سیاست خارجی، همگرایی منطقه‌ای.

* استاد پوهنتون

مقدمه

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، گمان می‌رفت که رقابت و تنش میان آمریکا و روسیه پایان یافته و همکاری جایگزین خواهد شد. اما دیری نگذشت که دور جدیدی از رقابت و رویارویی میان این دو قدرت آغاز گردید. یکی از حوزه‌های رقابت دو قدرت، آسیای میانه و قفقاز است. این مناطق به‌طور سنتی حوزه نفوذ شوروی بوده و در حال حاضر نیز روسیه چنین ادعایی را نسبت به این منطقه دارد. (آقایی، ۱۳۹۸: ۶۴-۳۸) از این جهت، جنگ روسیه در اکرین بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، به معنای قرار گرفتن مسکو در یک آزمون تاریخی دیگر است که می‌تواند روسیه را تا مرزهای شوروی سابق وسعت دهد یا به سطح انزوای سیاسی و فروپاشی اقتصادی تنزیل دهد.

آغاز دهه‌ی سوم قرن جدید، نقطه عطف در شروع روابط خصمانه‌ی روسیه و آمریکا محسوب می‌گردد. (کریمی، ۱۴۰۲: ۲۱۷-۲۹۷) به ترتیب جنگ اکرین بر این تنش‌ها افزوده و این دو کشور با هم درگیر شدند. روابط روسیه و آمریکا نقش مهمی در سیاست جهانی دارد. به گونه‌ای که تحلیل‌گران مدعی‌اند که مسکو و واشینگتن به‌عنوان ابرقدرت‌های هسته‌ای، با حفظ نفوذ قابل توجه بر روند امور بین‌الملل، در صورت داشتن روابط همکاری جویانه، می‌توانند سهم قابل توجهی در حل مشکلات جهانی مانند تروریسم، موادمخدر، انرژی و تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی داشته باشند. اما این همکاری‌ها دوام نداشته و فقط برای مدت کوتاهی بوده و با بحران اکرین به تنش جهانی بزرگی تبدیل شد. با توجه به این که جهان امروز به یک دهکده کوچک تبدیل شده، مسأله درخور توجه و مهم این است که رقابت بین روسیه و آمریکا به بزرگ‌ترین مشکل سیاست جهانی تبدیل و بر تمام ابعاد سیاست جهانی سایه افکنده است. حال سوال مطرح می‌گردد که زمینه‌های رقابت میان آمریکا و روسیه چیست؟ این رقابت، چه پیامدها و تأثیراتی بر تعاملات منطقه‌ای خواهد داشت؟ نظم منطقه و جهان که متشکل از نظم ژئوپولیتیک^۵، ژئواستراتژیک^۶، ژئوکولچر^۷، و ژئواکونومیک^۸ است، از هر زمان دیگر در عصر

5. geopolitics

6. Geostrategic

7. Geoculture

8. Geoeconomics

جهانی شدن قابل درک است. در این میان، منازعه و رقابت روسیه و آمریکا در اکرین، سرآغاز فصل جدیدی از نظم منطقه‌ای به حساب می‌آید. با توجه به این که رقابت و کشمکش میان قدرت‌های بزرگ مستقیم یا غیر مستقیم بر همه کشورها تأثیرگذار است، لذا مطالعه این رقابت‌ها می‌تواند رهگشای برخی از معضلات باشد. در این مقاله تلاش خواهد شد که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای ضمن تبیین روند این رقابت‌ها، نخست به زمینه‌های رقابت روسیه و آمریکا و سپس به تأثیر این رقابت‌ها را بر تعاملات منطقه‌ای بپردازیم.

1. عرصه‌های رقابت آمریکا و روسیه

به نظر می‌رسد بارزترین رقابت دو کشور در دهه‌های اخیر بر سر مناطق جیوپولیتیکی می‌باشد؛ رقابت بر سر آسیای میانه و قفقاز، اکرین و دریای سیاه از نمونه‌های بارز این ادعا محسوب می‌گردد. (کرمی، 1402) با حمله نظامی روسیه به اکرین، افزایش اختلافات و حتی ورود به مرحله جنگ سرد جدید کلید خورد، برای این مدعی سه دلیل مطرح شده است. اول، هردو کشور اساساً دیدگاه متفاوتی در مورد نظم بین‌المللی دارند. ایالات متحده به دنبال حفظ هژمونی جهانی خود و روسیه طرفدار چندقطبی شدن جهان است. هردو به عنوان دو قدرت نظامی جهانی، معضل امنیتی خاص خود را دارند. دوم، ایالات متحده، روسیه را تهدیدی بزرگ می‌داند. رهبران ایالات متحده با روسیه به عنوان پرتهدیدترین کشور جهان برای منافع ملی آمریکا از دوران جنگ سرد تاکنون رفتار کرده‌اند. مقامات دولت جدید نیز به این تهدید اذعان داشته‌اند. از چشم‌انداز جیوپولیتیکی و ایدئولوژی، از دید واشنگتن، روسیه یک مخالف جیوپولیتیکی است که به دنبال تضعیف جایگاه بین‌المللی ایالات متحده و ارزش‌های لیبرال-دموکراسی است. (کرمی، 14-2) در این بخش ابتدا روابط روسیه و آمریکا را تبیین نموده سپس به زمینه‌های رقابت میان این دو قدرت پرداخته خواهد شد.

1-1. سیر تاریخی روابط روسیه و آمریکا

از زمان تبدیل شدن روسیه به یک قدرت بزرگ اروپایی از ابتدای قرن هجدهم تا امروز، رقابت با غرب از دستور کار آن کشور خارج نشده است. (کرمی، 1402) اما می‌توان سال‌های جنگ سرد و به ویژه آغاز رقابت‌های راهبردی در پرتو ایجاد زرادخانه‌های مرگبار هسته‌ای را اوج

رقابت روسیه و غرب، به‌ویژه آمریکا دانست. هرچند با اصلاحات «گورباچف» در سال ۱۹۸۵ به تدریج مبانی ایدئولوژیک رقابت با آمریکا در سیاست خارجی شوروی بازنگری و تا سال ۱۹۸۹ و برچیدن دیوار برلین و انحلال پیمان «ورشو» فضایی متفاوت حاکم شد. لذا دهه ۱۹۹۰ دوره همکاری و همگرایی گسترده روسیه با قدرت‌های غربی محسوب می‌گردد. اما از درون جامعه نخبگان روس، از همان زمان و به‌ویژه به دلیل بحران «بالکان» تحقیر بین‌المللی روسیه و مداخله‌های غرب در امور داخلی آن کشور، بسترهای مخالفت و رقابت آغاز شد و دوران وزارت خارجه «یوگنی پریماکف» و تأکید بر جهان چندقطبی از سال ۱۹۹۶ آغاز تدریجی و مرحله‌ای برای رقابت جویی راهبردی جدید می‌باشد که با روی کار آمدن «ولادیمیر پوتین» در سال ۲۰۰۰ شاهد آغاز رسمی عصر رقابت بوده‌ایم. تحولاتی همچون حمله نظامی ائتلاف غربی به عراق در سال ۲۰۰۳، انقلاب‌های رنگی در حوزه کشورهای هم‌سود، موضوع گسترش ناتو و استقرار سپر موشکی در اروپای شرقی مهم‌ترین موضوعات شروع دور جدید هستند. موضوعاتی چون ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و طرح ری‌ست ۲۰۰۹ نیز نتوانستند از شدت آن رقابت‌ها بکاهند. اما عملیات نظامی روسیه در گرجستان در سال ۲۰۰۸ و اوکراین در سال ۲۰۱۴ و سپس جنگ سال ۲۰۲۲ را باید اوج این رقابت راهبردی تا حد یک رویارویی نظامی غیرمستقیم دانست. (سورتچی و کرمی، ۱۴۰۲: ۳۰۳)

با حمله گسترده‌ای روسیه به همسایه غربی خود اوکراین در سال ۲۰۲۲، روابط روسیه و آمریکا وارد فاز جدید از رقابت‌ها گردید. این حمله، بزرگ‌ترین حمله نظامی متعارف به خاک اروپا از زمان جنگ جهانی دوم است. پیش از این حمله، روند نفوذ نظامی روسیه در اوکراین، از اوایل سال ۲۰۲۱ آغاز و طی آن ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه از گسترش ناتو از سال ۱۹۹۷ به عنوان تهدیدی برای امنیت کشورش انتقاد کرد و خواستار ممنوعیت قانونی پیوستن به ائتلاف نظامی برای اوکراین شد. او هم‌چنین نظریه بازپیوندخواهی (بازپس‌گیری سرزمین‌های شوروی سابق) را هم مطرح کرد. (سورتچی و کرمی، ۱۴۰۲)

به موازات کنش‌های روسیه، ساختار قدرت جهانی از تک‌قطبی به رهبری ایالات متحده، به یک‌رندی پیچیده‌تری تغییر یافت. امروزه فضای جیوپولیتیکی با رقابت‌پذیری بیشتر و فعالیت بازیگرانی مانند روسیه و چین مشخص می‌شود که برتری آمریکا را در مناطق پیرامونی خود

انکار می‌کنند. در چنین جهانی، ماهیت یک‌جانبه سیاست واشنگتن به‌طور فزاینده‌ای نشان از شکست دارد و روابط روسیه و آمریکا بر همین اساس ارزیابی می‌شود. پوتین در ابتدای روی کار آمدن، با بهبود روابط با آمریکا مخالفتی نداشت و به تدریج به این اندیشه روی آورد که اگر واشنگتن در پی گسترش دموکراسی آمریکایی و اقتصاد «بازار لیبرال» در سراسر جهان به‌عنوان یک نظام ارزشی جهانی بود، روسیه از دموکراسی مستقل بنابر وضعیت سیاسی خود دفاع و شریان‌های حیاتی آن را کنترل کرد. مسکو بخش قابل توجهی از مشکلات خارجی و داخلی را که از سال ۲۰۱۴ با آن رو به رو شد، با سیاست تهاجمی و هدفمند واشینگتن مربوط می‌داند. (سورتچی و کرمی، ۱۴۰۲)

2-1. رقابت روسه و آمریکا در آسیای میانه و قفقاز

قفقاز منطقه‌ای است کوهستانی که در شمال آن روسیه قرار دارد. جنوب آن ایران و ترکیه، شرق آن دریای خزر و غرب آن به دریای سیاه و دریای آزوف منتهی می‌شود. یکی از موارد رویارویی و رقابت بین روسیه و آمریکا در گسترش نفوذ خود در آسیای میانه و قفقاز باز می‌گردد. این مناطق در گذشته حوزه نفوذ شوروی بوده و در حال حاضر نیز روسیه چنین ادعایی را نسبت به این مناطق دارد. بنابراین، روسیه همانند گذشته این مناطق را حوزه امنیتی روسیه می‌داند. به‌باور مقامات روسیه هرگونه نفوذ و دخالت در آن، امنیت و بقای روسیه را مورد تهدید قرار می‌دهد. فروپاشی شوروی و مشکل داخلی روسیه به کاهش توجه این کشور به مناطق مذکور منتهی شد و همین امر سایر کشورها به‌ویژه آمریکا را به گسترش نفوذ در این منطقه ترغیب کرد. سئوالی که در این زمینه مطرح می‌گردد این است که چرا کشورها در پی نفوذ در منطقه مذکور هستند؟ در جواب باید گفت که آسیای میانه و منطقه قفقاز از دید منابع انرژی و خطوط انتقال آن، گسترش ناتو، پایگاه‌های ژئواستراتژیک و برخی موارد دیگر از اهمیت زیادی برخوردار است و همین موارد روسیه و آمریکا را به رقابت واداشته است. کشورهای حوزه آسیای میانه و قفقاز در این رقابت به دو دسته تقسیم می‌شوند. برخی از این کشورها مانند قزاقستان، قیرقیزستان، ازبیکستان، تاجیکستان، و ارمنستان موقعیت سنتی روسیه را پذیرفته و روابط خوبی با این کشور دارند اما دسته دوم شامل استونی، لیتوانی (اعضای ناتو)، گرجستان،

اکراین و آذربایجان هستند که که نسبت به روسیه دیدگاه خوبی ندارد و به گسترش روابط با غرب مخصوصاً ایالات متحده تمایل دارد. (واعظی، ۱۳۸۸: ۱۰۰-۱۱۷) همین امر منجر به شکل‌گیری انقلاب رنگی در گرجستان (زرد ۲۰۰۳)، اکراین (نارنجی ۲۰۰۴) و قرغیزستان (۲۰۰۵) با حمایت کشورهای غربی مخصوصاً آمریکا شد این دوگانگی در منطقه آسیای میانه و قفقاز روسیه و آمریکا را پیش از گذشته به ادامه رقابت تشویق می‌نماید.

تغییر رهبران سیاسی در سه جمهوری گرجستان در سال ۲۰۰۳، اوکراین در سال ۲۰۰۴ و قرغیزستان در سال ۲۰۰۵ که با تظاهرات آرام خیابانی، به زور متوسل نشدن رهبران، دخالت نیروهای خارجی و تبلیغات گسترده رسانه‌های غربی انجام شد، این استدلال را پیش روی تحلیل‌گران قرار داد که ایالات متحده آمریکا به صورت مشخص به دنبال کاهش نفوذ روسیه و ایجاد نظام‌های همسو با غرب در حوزه کشورهای مستقل هم‌سود است. (واعظی، ۱۳۸۸)

از اقدامات آمریکا در میدان این رقابت، ترغیب و حمایت از کشور های مثل اکراین و گرجستان برای پیوستن به پیمان ناتو بود اما این امر برای روسیه قابل تحمل نبود، زیرا این کشور ها با روسیه مرز مشترک دارد لذا این امر را تهدید امنیتی شدید میدانند. از اقدامات رهبران روسیه برای مقابله با آمریکا تاسیس سازمان همکاری‌های شانگهای در سال ۲۰۰۱ می‌باشد. شانگهای سازمانی امنیتی با عضویت چین، روسیه و برخی کشورهای آسیای میانه و قفقاز است که علاوه بر گسترش همکاری‌های امنیتی - نظامی بین اعضای آن، در پی مقابله با یکجانبه‌گرایی آمریکا و توسعه ناتو در این منطقه نیز می‌باشد. (واعظی، ۱۳۸۶: ۲۱۶)

از جمله سیاست‌های روسیه برای مقابله با نفوذ آمریکا همکاری با کشور های قدرتمند مخالف آمریکا می‌باشد. به صورت کلی با بررسی و مطالعه دقیق متغیرهای تأثیرگذار بر روند این تحولات، می‌توان چنین نتیجه گرفت که فرایند تغییر در سه جمهوری گرجستان، اوکراین و به ویژه قرغیزستان و هم چنین فضای سیاسی در بسیاری از جمهوری‌های دیگر، برابندی از تعامل چهار دسته از تقاضاها و کوشش‌های سیاسی متفاوت است:

الف) تلاش نهادهای مدنی، احزاب و بخش‌هایی از نخبگان سیاسی برای ایجاد تغییر و اصلاح؛

ب) تلاش رهبران حاکم برای باقی ماندن در قدرت و حفظ ساختار سیاسی موجود؛

ج) تلاش روسیه برای تداوم نفوذ خود در منطقه؛

د) تلاش ایالات متحده آمریکا برای کاهش نفوذ روسیه و ایجاد نظام‌های هم‌سو با

غرب (واعظی، 1388: 322-324)

3-1. رقابت بر سر انرژی و انتقال آن

بعد دیگر رقابت آمریکا و روسیه در آسیای میانه و قفقاز در راستای به دست آوردن مواد خام عظیم منطقه است. منابع گسترده انرژی در آسیای میانه، سبب گسترش رقابت‌های منطقه‌ای شده است. آمریکا و کشورهای غربی برای بهره‌مندی از این منابع تلاش‌های پیگیری را سازمان داده‌اند. منابع عظیم نفت و گاز طبیعی ترکمنستان که آن را در مقام چهارمین کشور جهان قرار داده است و نیز بزرگ‌ترین کارخانه غنی‌سازی یورانیوم در تاجیکستان بر اهمیت این منطقه افزوده است. ویژگی‌های جغرافیایی آسیای میانه نقش سنتی روسیه را در اتصال آن به جهان و بازارهای جهانی تداوم بخشیده است. در این زمینه آمریکا و کشورهای غربی به جست‌وجوی گسترده برای یافتن و ارائه جایگزین مناسب پرداخته‌اند. این مسئله سبب شکل‌گیری رشته‌ای از رقابت‌ها در منطقه شده است. (رنجکش و لطفیان، 1395: 381)

این منطقه به دلیل برخورداری از منابع انرژی مورد توجه خیلی از کشورها قرار دارد، روسیه به دنبال حضور در طرح‌های انرژی کشورهای این منطقه و عبور خطوط انتقال انرژی از مسیر سنتی خود است. در مقابل، آمریکا در پی تسلط بر منابع انرژی حوزه مذکور و عبور این خطوط انرژی از مسیرهای غیر از ایران و روسیه است. (آقایی، 1398)

در پی رویداد حادثه یازده سپتامبر 2001، بحران انرژی بسیاری از قدرت‌های بزرگ را فراگرفت؛ این رویداد از میزان اتکای کشورهای بزرگ به انرژی خاورمیانه کاست و بر اهمیت منطقه آسیای میانه در این زمینه افزود. از نظر ژئوپلیتیک، انرژی نقش ویژه‌ای در رقابت قدرت‌های بزرگ بازی می‌کند. براین اساس، آمریکا در آسیای میانه در بخش انرژی آسیای میانه در قبال روسیه راهبرد رقابتی را به کار گرفت. در واقع در تعیین خطوط لوله نفت و گاز منطقه، بیشتر اهداف سیاسی دنبال می‌شود و اهداف اقتصادی در مراحل بعدی قرار دارد. در این زمینه رقابت بین دو محور مطرح است که هر دو به صف‌بندی‌های راهبردی مربوط می‌شوند. مسیر

شمال - جنوب از روسیه (با استفاده از خطوط لوله موجود) و جمهوری اسلامی ایران (ابتدا بر مبنای موافقتنامه‌های تبادل مساوی مبادله می‌شود و سپس از راه ساخت خطوط لوله جدید)، عبور می‌کند. این درحالی است که آمریکا به شکل رسمی يك مسیر شرقی - غربی را فقط از نظر مسائل سیاسی و برای بی‌اثر شدن اهرم‌های روسیه، فشار بر روسیه و انزوای بیشتر ایران تصویب کرده است. (حاتمی، 1381: 211)

در همین راستا بعد از فروپاشی شوروی آمریکا سعی کرد که حضور مستمر و پررنگ‌تری در منطقه داشته باشد به عبارت بهتر در خلاء قدرتی که در منطقه ایجاد شد، آمریکا در صدد برتری در این منطقه برآمد. پس از استقلال کشورهای قفقاز، شرکت‌های نفتی آمریکایی به سرعت وارد منطقه شدند، وجود منابع غنی نفت و گاز باعث توجه بیشتر دولت آمریکا به کشورهای منطقه شد و این کشور سیاست دستیابی به منابع انرژی و حضور در بازارهای منطقه را اتخاذ کرد. این برای اولین بار بود که آمریکا فرصت دخالت مستقیم در این منطقه را می‌یافت. لذا آمریکا با تکیه بر این فرصت منحصر به فرد که به دست آورده بود، سیاست مقابله و محدود کردن روسیه و ایران را در منطقه به طور آشکار دنبال کرد. (طاهری، 1393: 164)

در نتیجه، آسیای میانه و قفقاز به دلایل مختلف به یکی از حوزه‌های جنگ سرد نوین بین روسیه و آمریکا تبدیل شده است، روسیه نشان داد است که بقای خود را در اولویت قرار می‌دهد و در صورت لزوم از گزینه نظامی نیز استفاده می‌نماید، همان‌طور که در قضیه اکراین نیز این مورد را به نمایش گذاشت.

1-4. رقابت در دریای سیاه

دریای سیاه در منتهی‌الیه جنوب شرقی اروپا، بین دو قاره اروپا و آسیا قرار دارد و از شمال و شمال شرق با اکراین و روسیه، از شرق با گرجستان، از غرب با بلغارستان و رومانی و از سمت جنوب با کشور ترکیه همسایه است. این دریای بیضی شکل که حوضه بزرگی از جنوب شرق اروپا را به خود اختصاص می‌دهد، یک دریای داخلی بین جنوب شرقی اروپا و آناتولی محسوب می‌شود و از طریق تنگه بسفر و دریای مرمره که در گوشه غربی آن قرار دارد، به دریای مدیترانه و از طریق تنگه کرچ، به دریای آزوف متصل می‌شود.

یکی از زمینه‌های رقابت بین روسیه و آمریکا دریای سیاه می‌باشد که یکی از اقدامات رقابتی روسیه و آمریکا استقرار سامانه دفاع موشکی است، استقرار سامانه دفاع در راهبرد امنیتی آمریکا سابقه‌ای طولانی دارد. این طرح در دوران جنگ سرد در قالب جنگ ستارگان تعریف شد. پس از جنگ سرد در دوران بوش پدر، آمریکا این طرح را در قالب طرح «حفاظت جهانی در برابر حملات محدود» پیش برد. این طرح در دوره کلینتون به «دفاع ملی موشکی» تغییر نام داد و سرانجام در دوره باراک اوباما در قالب طرح چند مرحله‌ای شامل استقرار سامانه موشکی در چک و لهستان و استقرار رادار در ترکیه موجب غافلگیری روسیه شد. (بهشتی‌پور، 1399: 151)

آمریکا در استقرار این سامانه در حوزه نفوذ سنتی روسیه گام عملی ذیل را برداشته است:

1. ایالات متحده و جمهوری چک در ۸ ژانویه ۲۰۰۸ پیمان استقرار رادارهای سامانه ضد موشکی آمریکا را امضا کردند. اما با توجه به مخالفت و حساسیت روسیه، آمریکا، در سال ۲۰۱۹ بخش‌هایی از این سامانه را در پایگاه دوسلوی رومانی و در ۲۰۲۰ در لهستان مستقر کرد. (بهشتی‌پور، 1399)

2. آمریکا در ماه می ۲۰۱۹ سامانه دفاع موشکی هوایی «تاد» را در رومانی مستقر نموده و در ماه جون آن را عملیاتی کرد. سامانه دفاع موشکی «تاد» همراه با سامانه دفاع موشکی «ایجیس» بخش مهمی از رویکرد ناتو در حمایت از متحدان اروپایی است.

3. آزمایش موفقانه موشک کروز از سوی آمریکا در ۱۸ اوت ۲۰۱۹ دو هفته پس از خروج از پیمان منع تولید موشک‌های هسته‌ای (INF) با روسیه (بهشتی‌پور، 1399: 152)

در مقابل روسیه نیز به اقداماتی در استقرار سامانه‌های موشکی دست زد که در ذیل اقدامات روسیه در این امر را آوردیم:

1. راه‌اندازی رادار کالینینگراد در کرانه دریای بالتیک و بین لهستان و بلاروس. (هروی، 1396: 30-10) و استقرار موشک‌های دفاعی اس ۳۰۰ و اس ۴۰۰ در کالینینگراد.

2. تجهیز نیروی هوایی بلاروس به موشک‌های ضد هوایی «تور ام ۲» روسیه در چارچوب ایجاد سامانه دفاع هوایی با کشورهای بلاروس و ارمنستان.

3. استقرار نخستین سامانه دفاع ضد هوایی اس ۳۰۰ در نوامبر ۲۰۱۹ در مرز تاجکستان و افغانستان. (بهشتی پور، 1399: 152)

4. استقرار و راه اندازی اولین واحد موشک های مافوق صوت «آوانگارد» در ۲۷ دسامبر ۲۰۱۹، این موشک ها با توانایی حمل سلاح اتمی می توانند ۲۰ بار سریع تر از صوت حرکت کنند. (بی بی سی، 2019)

5. تجهیز و نوسازی ناوگان دریای سیاه؛ رئیس جمهور روسیه در سال 2015، اعلام کرد سامانه دفاع موشکی با برد حداکثر 450 کیلومتر، بخش اعظم دریای سیاه را از بندر کریمه پوشش می دهد. هم چنین در اوایل سال ۲۰۱۸ روسیه سامانه موشکی سطح به هوای (S400) را در کریمه مستقر کرد. (بی بی سی، 2019)

دومین شیوه از سیاست تقابلی روسیه با آمریکا و ناتو، شامل مانورهای مشترک یا جداگانه در دریای سیاه است. ناوشکن نیروی دریایی آمریکا که به سیستم دفاع موشکی مجهز است، اغلب در دریای سیاه است. در ماه ژانویه ۲۰۱۹، این ناوشکن برای تمرین با گارد ساحلی گرجستان در باتومی بود و سپس وارد بندر اودسای اکرین شد. از ابتدای سال ۲۰۲۰ تاکنون، ۵ ناوشکن آمریکایی وارد دریای سیاه شده و با نیروی دریایی اکرین، بلغارستان، رومانی، گرجستان و ترکیه رزمایش برگزار کردند. حضور چنین ناوگانی برای روس ها تحریک کننده است (بی بی سی، 2019) اقدامات و مانورهای رقابتی زیادی در دریای سیاه از جانب روسیه و آمریکا انجام گرفت که اشاره به تمام آنها از عهده این نبشته خارج است.

1-5. رقابت روسیه و آمریکا در اکرین

الف) اهمیت اکرین برای روسیه: اکرین دومین کشور بزرگ بعد از روسیه در اروپا است و جغرافیای این کشور از سال ۱۸۱۲ به عنوان منطقه ی امنیتی برای روسیه بوده که در امتداد مرزهای غربی روسیه قرار دارد. این سرزمین در طول جنگ جهانی دوم به خصوص در شکست آلمان نقش ویژه خود را داشت. چون آلمان مجبور بود برای رسیدن به روسیه ۱۶۰۰ کیلومتر از اکرین بگذرد تا به مسکو برسد. یکی از عوامل عمده شکست آلمان در این جنگ، جغرافیای اکرین بود که توانست روسیه را از شکست حتمی نجات بدهد. اگر این کشور به دست ناتو

بیافتد رسیدن به مسکو به ۴۰۰ کیلومتر کاهش خواهد یافت. (مرکز مطالعات استراتژیک و منطقی، ۱۴۰۱)

اکراین جدا از اهمیت جیوپولیتیکی و جیواستراتژیکی برای مسکو از اهمیت فوق‌العاده تاریخی و مذهبی نیز برخوردار است. از لحاظ تاریخی، روس‌ها به کی‌یف به مثابه خاستگاه تاریخی خود که اولین دولت روس در آن شکل گرفته است، می‌نگرند و از لحاظ مذهبی، کی‌یف خاستگاه و محل بنیان کلیسای ارتدوکس روسیه محسوب می‌شود.

مکیندر یکی از نظریه‌پردازان جیوپولیتیک انگلیسی می‌گوید: کشوری که قلب جهان (هارتلند) را در تصرف داشته باشد، به کل جهان تسلط خواهد داشت. اروپای شرقی که بخشی از جغرافیه مورد نظر مکیندر پنداشته می‌شود؛ اکراین یکی از اجزای مهم آن به حساب می‌رود. باتوجه به موارد یادشده، اکراین از اهمیت بلند جیواستراتژیک و جیوپولیتیک برای هر قدرت بزرگ جهانی، به‌ویژه برای روسیه برخوردار است. اکثر استراتژیست‌ها معتقدند روسیه با اکراین یک قدرت جهانی است اما بدون اکراین، چیزی فراتر از قدرت منطقه‌ای نخواهد بود؛ لذا از دید راهبردی اکراین در کانون تمرکز مسکو است. (مرکز مطالعات استراتژیک و منطقی، ۱۴۰۱)

اهمیت دیگر اکراین برای روسیه به مسأله هویت روسیه باز می‌گردد. در صورتی که اکراین از کنترل و نفوذ روسیه خارج شود و با پذیرش ارزش و الگوهای غربی در تقابل با روسیه قرار گیرد، هویت روسیه با چالش روبرو می‌شود. پس از فروپاشی شوروی و استقلال اکراین، روسیه با این سؤال روبه‌رو شد که روسیه بدون اکراین، بدون تاریخ اکراین و بدون برخی مناطق جغرافیایی و فرهنگی چه چیزی خواهد بود؟ بسیاری از شهرهای پرافتخار روسی (سواستوپول، اودسا) در اکراین واقع شده است. کیف یکی از مظاهر مهم خودآگاهی و اصالت قومی روسیه بوده است. در تاریخ روسیه، کی‌یف همیشه به‌عنوان پایتخت اول اراضی روسی (مادر شهرهای روسی) و بانی فرهنگ و نظام دولتی روسی تلقی می‌شد. (صفری و وثوقی، ۱۳۹۵: ۱۲۱)

ب) اهمیت اکراین برای آمریکا: اکراین کشوری است که اهمیت زیادی برای بازیگران مهم جهانی به‌ویژه روسیه، آمریکا و اتحادیه اروپا دارد. روسیه بیش از همه نگران فروپاشی دوم

خود است. از دیرباز استراتژیست‌های امریکایی عنوان کرده‌اند که آمریکا برای رفع خطر روسیه باید تلاش‌های خود را متمرکز نموده و روسیه را در حوزه نفوذ این کشور زمین‌گیر سازد. همین موضوع سبب شده است که روس‌ها احساس تهدید حیاتی کنند و ترس آن دارند که تحولات اکرین و روی کار آمدن جریان غرب‌گرا مقدمه‌ای برای این موضوع باشد. از منظر آمریکایی، وجود یک روسیه قدرت‌مند در عرصه بین‌الملل تهدید جدی است که هزینه‌های زیادی برای آن‌ها تحمیل می‌کند. (اکراین کانون بحران مستمر در روابط روسیه با غرب، 1392)

اهمیت اکرین برای ایالات متحده آمریکا را می‌توان در قالب تمایلات ژئوپلیتیک این کشور ارزیابی کرد. تعریف افرادی مثل مکیندر و اسپایکمن و کوهن از شرق اروپا به هارتلند و ریملند همواره در دستورکار سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا تأثیرگذار بوده است. در فضای ژئوپلیتیک پس از جنگ سرد نگاه به شرق همواره در تعیین اولویت ایالات متحده آمریکا دخیل بوده است. تأکید نظریه‌پردازان جغرافیای سیاسی آمریکا بر اهمیت اوراسیا و شرق اروپا مؤید این موضوع است. زمانی که ساموئل هانتینگتون نظریه برخورد تمدن‌ها را ارائه کرد اختلافات آینده را در طول مرزهای غرب ترسیم کرده بود که عمدتاً شامل مناطق کاتولیک مذهب و شرق اکرین بود. این تقسیم‌بندی براساس معیارهای اصلی فرهنگی و مذهبی صورت گرفته بود. (صفری، 1395: 126)

در مجموع اکرین به لحاظ اقتصادی، فرهنگی، و سیاسی - امنیتی برای آمریکا اهمیت دارد، در کنار آن داشتن متحد قوی مثل اکرین در مرز روسیه برای آمریکا حکم «شاهرگ روسیه» را دارد لذا آمریکا بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی همواره به دنبال حضور گسترده در اکرین بود. (صفری، 1395: 126)

اکنون بیش از دو سال از حمله روسیه به اکرین با دستور ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور این کشور می‌گذرد؛ تهاجمی که رویدادهای بسیاری به دنبال داشته و منجر به تحریم گسترده روسیه از سوی بلوک غرب شده است و دورنمای مشخصی برای پایان آن نیز وجود ندارد. با این وجود پوتین درخواست آتش بس نموده است اما این پیشنهاد از جانب آمریکا رد شد. (وبسایت تابناک، 1402)

2. تاثیر رقابت روسیه و آمریکا بر تعاملات منطقه‌ای

به‌دنبال نفوذ و دخالت آمریکا، حوزه کشورهای مستقل هم‌سود و از جمله منطقه آسیای میانه، شاهد ظهور پدیده جدیدی بنام «انقلاب‌های رنگی» بوده است که آمریکا از راه تحریک و سازماندهی نیروها و احزاب مخالف، توانست در این کشورها برخی دولت‌های حاکم و طرفدار شرق را سرنگون و دولت‌های طرفدار غرب را روی کار آورد. (وسایت تابناک، 1402) آمریکا شدیداً دنبال آن است تا سریع در منطقه حکومت‌هایی به‌سبک غربی را روی کار آورد تا بتواند به‌وسیله دولت‌ها و حکومت‌های دست‌نشانده به اهداف اقتصادی، سیاسی و نظامی خود برسد که این امر در تعاملات درون منطقه‌ای تأثیر منفی خود را می‌گذارد. (رنجکش، 1395) از چهار دهه قبل که آمریکا و شوروی در کشمکش بودند و در مقابل هم جبهه‌گیری و بلاک‌بندی داشتند، موج تازه‌ای از بازی علیه هم آغاز گردید و از آن زمان به‌بعد هر از گاهی کشورهای آسیای میانه و شرق میانه شاهد رخداد‌های متعددی بودند. از جمله کشور افغانستان در چند دهه تحولات و بازی‌ها از جایگاه خاصی برخوردار بود و همواره به‌نحوی شاهد تجربه تلخ‌ترین رویدادها بوده است. افغانستان با داشتن موقعیت جیوپولیتیک در جغرافیای سیاسی و با همسایگی چین، ایران، پاکستان و کشورهای آسیای میانه برای آمریکا، چین، روسیه، و همسایه‌ها بسیار مهم است. آمریکا و روسیه تلاش فراوانی برای تحکیم پایه‌های خویش در این کشور دارند. (رنجکش، 1395: 285)

2-1. تاثیر رقابت آمریکا و روسیه بر واگرایی منطقه‌ای در آسیای میانه

از آن‌جا که منطقه آسیای میانه دارای موقعیت جیوپولیتیک بسیار حساس می‌باشد و یکی از عرصه‌های حساس رقابت بین آمریکا و روسیه پنداشته می‌شود، لذا نقش تعیین‌کننده بر تعاملات منطقه‌ای دارد. در این شکی نیست که حضور آمریکا در آسیا به‌عنوان عامل اصلی واگرایی شناخته می‌شود و کشورهای آسیای میانه در بعد امنیتی - نظامی به‌جای تحکیم تعاملات درون منطقه‌ای در قالب نهادهایی چون سازمان شانگهای، سازمان پیمان امنیت دسته‌جمعی، جامعه کشورهای مستقل هم‌سود، سازمان همکاری‌های آسیای میانه و غیره به همکاری‌های امنیتی و مانورهای مشترک نظامی با آمریکا علاقه نشان داده است که این خود باعث واگرایی منطقه‌ای

شده است. در بُعد اقتصادی نیز جمهوری‌های آسیای میانه را برای نفوذ و سرمایه‌گذاری سودآور کشورهای غربی باز گذاشته است که این امر باعث نفوذ عامل واگرا نقش بارزی را داشته است. در بعد سیاسی- اجتماعی نیز دخالت آمریکا زمینه‌های واگرایی و چندگانگی را به‌طور کلی در بین کشورهای منطقه و به‌طور خاص در آسیای میانه ایجاد نموده است. (رنجکش، 1395: 282)

2-2. تأثیر رقابت روسیه و آمریکا بر تعاملات منطقه ای

روسیه با ملاحظه روند گسترش نفوذ آمریکا در منطقه خاورمیانه از جمله در خلال بحران لیبی و مصر، پیوستن اکرین به پیمان ناتو، موضوع سپر دفاع موشکی آمریکا در اروپای شرقی و ...، تصمیم گرفت برای مقابله با این نفوذ و نمایش نقش و قدرت خود در منطقه، رسماً وارد بحران سوریه شود و با حمایت سیاسی (در قالب شورای امنیت) و نظامی از دولت بشار اسد، نقش تأثیرگذاری را در این جنگ ایفا کند. مخالفت مسکو با سیاست‌های واشنگتن و متحدان منطقه‌ای عرب‌اش من جمله در بحران یمن و عدم همراهی روسیه در محکومیت ایران در زمینه حمایت نظامی از حوثی‌های یمن، دریچه‌ای جدیدی را در اختلاف مواضع روسیه در قبال مسائل منطقه‌ای با آمریکا باز کرد. (محمودی، 1397) از خصوصیات ذاتی رقابت، بلوک‌بندی‌ها است. لذا یکی از مخرب‌ترین تأثیرات رقابت بین آمریکا و روسیه در منطقه، بلوک‌بندی کشورهای منطقه می‌باشد که به لحاظ سیاسی و اقتصادی به تمام کشورهای منطقه آسیب خواهد زد. مهم‌ترین تأثیرات این رقابت‌ها را به‌صورت زیر می‌توان بیان کرد.

۱. لبنان: شوک سیاسی استعفا اجباری و بازداشت سعید حریری نخست‌وزیر لبنان در عربستان به‌سختی با مداخله فرانسه و بریتانیا آرام گرفت. نظام سیاسی شکننده لبنان به فعالیت خود ادامه می‌دهد، اما وضعیت شکننده‌ای دارد؛ لبنان در برابر بی‌ثباتی بیشتر سیاسی، اقتصادی و امنیتی آسیب‌پذیر است. به‌علاوه، این کشور در چرخه تنش‌های اسرائیل و حزب‌الله گرفتار است. مقامات اسرائیل هشدار داده‌اند در صورت جنگ با حزب‌الله، کل لبنان را هدف می‌گیرند. (جلال، 1401: 22) باتوجه به وضعیت شکننده‌ای این کشور به‌نظر می‌رسد که تحمل تبدیل شدن به عرصه رقابت این دو قدرت را ندارد.

۲. عراق: به‌دلیل داشتن مرز مشترک با ایران، عربستان و ترکیه در معرض رقابت‌های منطقه‌ای و درگیری در کشور همسایه سوریه است. سیاست دولت قبلی آمریکا در قبال ایران پیامدهای

ناخواسته برای عراق داشته است. تحریم‌های آمریکا علیه ایران به فشار اقتصادی در عراق نیز انجامید و این کشور را در معرض تبدیل شدن به میدان جنگ تبدیل کردند. که تأثیر عمیقی بر سیاست، اقتصاد و روابط این کشور گذاشت. (جلال، 1401)

۳. سوریه: سئوالات مهم درباره این که آمریکا اشتیاقی به ایجاد اجماع گسترده‌تر با روسیه درباره سوریه دارد یا خیر، تمایل احتمالی روسیه به این مساله و حتی آمادگی آن برای تحت فشار گذاشتن روسیه و ایران به اجرای توافقی با میانجیگری آمریکا و روسیه همچنان وجود دارد. ترکیه و ایالات متحده که دو متحد در ناتو به‌شمار می‌روند نیز بر سر نقش نیروهای کُرد در سوریه به شدت درگیر هستند و هیچ تلاش معناداری برای حل این بن بست نکرده‌اند. مسأله نگران‌کننده‌تر این است که اشتباهات محاسباتی یا اقدامات نادرست اسرائیل، ایران یا حتی ترکیه و ایالات متحده در سوریه می‌تواند این کشور را به ورطه درگیری‌های جدید اندازد.

۴. ایران در نتیجه جنگ اقتصادی دولت ترامپ تغییر استراتژیک در سیاست منطقه‌ای خود نداد. سعی ایران بر آن بود که طوفان به پا شده را کنترل و خرابکاری‌های ترامپ در برجام را تا روی کار آمدن دولت بعدی تحمل کند و جای تعجب هم نداشت؛ جمهوری اسلامی 4 دهه تحریم‌های آمریکا، 8 سال جنگ با عراق و تحریم بین‌المللی نفت را دوام آورده است. جبهه مخالف ایران نتوانست تهران را تحت فشار قرار دهد تا سیاست منطقه‌ای خود را تغییر دهد. انتظار می‌رود تا زمانی که هزاران نیروی نظامی آمریکایی در عراق، سوریه و آسیای میانه مستقر باشند و سیاست تغییر نظام همچنان هدف ائتلاف مخالف ایران تحت حمایت آمریکا باشد، تهران به سیاست خود درباره گسترش نفوذ در منطقه ادامه دهد. (گرانمایه، 1400) از آن جا که ایران یکی از هم‌پیمانان مهم روسیه است، مستقیماً مورد تهدید آمریکا قرار دارد و سیاست آمریکا به لحاظ اقتصادی صدمات قابل ملاحظه‌ای هم به ایران وارد نموده است.

۵. افغانستان: افغانستان با در نظر داشت خصوصیات مانده نزدیکی جغرافیایی، گسترش روابط اقتصادی، وابستگی امنیتی، کشور نهایت مهم در تعاملات منطقه‌ای محسوب می‌گردد. روسیه و آمریکا هر کدام زور آزمایی و قدرت نمایی‌های خویش را در این کشور انجام داده است که برای هردو مطلوب نبوده و تجربه تلخی را با خود برده‌اند. لذا در کوتاه مدت روسیه، آمریکا و

سایر کشورها کوشش می‌کنند خود را درگیر امور این کشور نکنند، هرچند به لحاظ اقتصادی چین در تلاش تعاملات با افغانستان است که این امر ممکن است برای آمریکا زنده باشد. به هر صورت پایان حضور آمریکا در افغانستان نقطه عطف در راستای مصلحت منطقه‌ای محسوب می‌گردد. (جلال، ۱۳۹۵: ۲۵) مصلحت کشورهای منطقه ایجاب می‌نماید که حضور سیاسی و نظامی آمریکا به حداقل خویش برسد. همچنان که پایان حضور آمریکا در افغانستان بر روابط منطقه‌ای تأثیرگذار تلقی می‌گردد، سیاست‌های سازنده امارت اسلامی در قبال تروریسم و مواد مخدر می‌تواند در روند همگرایی منطقه‌ای تأثیرگذار باشد.

نتیجه‌گیری

با مطالعه فراز و نشیب در روابط روسیه و آمریکا به خصوص بعد از جنگ سرد چنین برداشت می‌گردد که آمریکا برای دستیابی به منافع اقتصادی و نظامی-امنیتی خویش حوزه نفوذ سنتی روسیه را نقض نموده است. بعد از جنگ سرد تمام تلاش سیاست خارجی آمریکا نفوذ در مناطق آسیای میانه و سایر کشورهای منطقه می‌باشد. یکی از موارد رویارویی و رقابت، بین روسیه و آمریکا در گسترش نفوذ خود در آسیای میانه و قفقاز باز می‌گردد. این مناطق در گذشته حوزه نفوذ شوروی بوده و در حال حاضر نیز روسیه چنین ادعایی را نسبت به این مناطق دارد. بنابراین، روسیه همانند گذشته این مناطق را حوزه امنیتی روسیه می‌داند. به‌باور مقامات روسیه هرگونه نفوذ و دخالت در آن، امنیت و بقای روسیه را مورد تهدید قرار می‌دهد. از طرف دیگر، آمریکا به لحاظ منافع اقتصادی و سیاسی سعی وافر بر نفوذ در این منطقه دارد. بعد دیگر رقابت آمریکا و روسیه در آسیای میانه و قفقاز در راستای به دست آوردن مواد خام عظیم منطقه است. منابع گسترده انرژی در آسیای میانه، سبب گسترش رقابت‌های منطقه‌ای شده است.

یکی از زمینه‌های رقابت بین روسیه و آمریکا دریای سیاه می‌باشد که یکی از اقدامات رقابتی روسیه و آمریکا استقرار سامانه دفاع موشکی است، که استقرار سامانه دفاع در راهبرد امنیتی آمریکا سابقه‌ای طولانی هم دارد. بحث دیگری که رقابت این دو قدرت را بیشتر از پیش کرد بحران اکرین می‌باشد. اکرین جدا از اهمیت جیوپولیتیکی و جیواستراتژیکی برای مسکو از اهمیت فوق‌العاده تاریخی و مذهبی نیز برخوردار است. از لحاظ تاریخی، روس‌ها به کی‌یف

به‌مثابه خاستگاه تاریخی خود که اولین دولت روس در آن شکل گرفته است، می‌نگرند و از لحاظ مذهبی، کی‌یف خاستگاه و محل بنیان کلیسای ارتدوکس روسیه محسوب می‌شود. آمریکا شدیداً دنبال آن است تا سریع در منطقه حکومت‌هایی به‌سبک غربی را روی کار آورد تا بتواند به‌وسیله دولت‌ها و حکومت‌های دست‌نشانده به اهداف اقتصادی، سیاسی و نظامی خود برسد که این امر در تعاملات درون منطقه‌ای تأثیر منفی خود را می‌گذارد. لذا رقابت مؤثر روسیه با وجود حمایت سایر کشورهای منطقه با آمریکا که منجر به حذف نفوذ آمریکا در منطقه گردد، می‌تواند تعاملات منطقه‌ای را به‌سمت مثبت سوق دهد. مطالعه روی برخی از کشورهای منطقه مانند سوریه، لبنان، عراق، ایران و افغانستان نشان می‌دهد که رقابت این دو قدرت به نفع هیچ‌کدام از کشورها نیست و نقش مخربی را ایفا خواهد کرد.

منابع و مأخذ

- 1) واعظی، محمود، (1386)، *ژئوپلیتیک بحران در آسیای میانه و قفقاز (بنیان‌ها و بازیگران)*، تهران: وزارت امور خارجه
- 2) حاتمی، تورج، (1381)، *برخورد منافع روسیه و آمریکا در آسیای میانه و قفقاز*، تهران: خورزن
- 3) آقایی، سیدداود و ثمودی علی‌رضا، (۱۳۹۸)، *آمریکا و روسیه رقابت و منازعه، فصلنامه علمی- پژوهشی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل*، دوره ۳، شماره ۱۲
- 4) کرمی، جهانگیر، (۱۴۰۲)، *رقابت راهبردی روسیه و آمریکا ابعاد و پیامدهای بین‌المللی، مطالعات اورآسیای مرکزی*، دوره ۱۶، شماره
- 5) واعظی، محمود، (۱۳۸۸)، *منافع روسیه و غرب در آسیای میانه و قفقاز و نقش تشکل‌های چندجانبه، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۶۶
- 6) رنجکش، محمدجواد، نوید لطیفیان، (۱۳۹۵)، *بررسی تأثیر رقابت روسیه و آمریکا بر روند همگرایی و واگرایی منطقه‌ای آسیای میانه، مجله مطالعات اورآسیای مرکزی*، دوره ۹، شماره ۲
- 7) طاهری، ابو القاسم، (۱۳۹۳)، *نقش تعامل و تقابل سیاست خارجی آمریکا و روسیه در توسعه منطقه قفقاز جنوبی: مطالعه موردی انرژی، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، سال ۱۰، شماره ۲۹
- 8) بهشتی‌پور، حسن و آسیه مهروز، (۱۳۹۹)، *رقابت‌های روسیه و آمریکا در دریای سیاه و پیشنهاد‌های رسانه‌ای، پژوهشنامه رسانه بین‌الملل*، سال پنجم، شماره ۵
- 9) صفری، عسکر و سعید وثوقی، (۱۳۹۵)، *ژئوپولیتیک اکراین و نقش آن در رقابت روسیه و ایالات متحده آمریکا، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی*، شماره ۲۶
- 10) جلال، احمدبصیر، (۱۴۰۱)، *آمریکا و روسیه منازعه یا فریب، ماهنامه اندیشه و قلم*، شماره ۳

- 11) هروی، جوانپور، عزیز موسوی، محمد رضا و رحیم نوروزی، (۱۳۹۶)، تأثیر سپر دفاع موشکی آمریکا بر امنیت قدرت‌های منطقه‌ای، **فصلنامه مطالعات سیاسی**، دوره ۱۰، شماره ۳۸
- 12) نقدی‌نژاد، حسن، امیرحسین سوری، (۱۳۸۷)، رقابت آمریکا و روسیه در اورسیا، **مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، شماره ۶۲
- 13) درّه، میرحیدر، قفقاز شمالی از دیدگاه جغرافیایی-تاریخی، فصلنامه علمی-پژوهشی اطلاعات جغرافیایی «سپهر»، دسترسی در:
https://www.sepehr.org/article_29417.html
- جنگ اکراین و تأثیرات جیوپولیتیک آن بر منطقه و افغانستان، (۱۴۰۲)، قابل دسترسی در:
<https://csrskabul.com/?p=7577>
- 15) سایت تابناک، (۲۵ دلو ۱۴۰۲)، دسترسی در:
<https://www.tabnak.ir/fa/news/1221814>
- 16) محمودی، زهرا، (۱۳۹۷)، بررسی تأثیر تنش‌های آمریکا و روسیه بر افغانستان، **سایت مؤسسه مطالعات راهبردی شرق**، قابل دسترسی:
[/https://www.iess.ir/fa/report/1343](https://www.iess.ir/fa/report/1343)
- 17) سایت نور نیوز، (۱۴۰۲)، دسترسی در: <https://NourNews.ir/n/160096>